

بررسی تعامل پلیس با شهروندان و جامعه ناشنوایان

سیده زهرا نوزن^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: در هر جامعه‌ای با هر زبانی گروهی از افراد باهم زندگی می‌کنند که قادر به استفاده از زبان نیستند. از نظر جامعه این افراد دارای معلولیت هستند. بدین معنی که قادر به شنیدن، ادای کلمات و استفاده از زبان متداول نیستند. این افراد با زبان اشاره با یکدیگر و با افراد جامعه ارتباط برقرار می‌کنند؛ بنابراین تعامل پلیس با افرادی که دارای معلولیت شنیداری هستند، بسیار مهم و تأثیرگذار است که هدف این پژوهش بررسی تعامل پلیس با شهروندان و جامعه ناشنوا نابان بوده است.

روش پژوهش: روش تحقیق به صورت تحلیل مفهومی و اسنادی بوده و برای گردآوری داده‌ها به منظور دستیابی به نتایج تحقیق، از ابزار کتابخانه‌ای، اینترنت، کتب و مقالات علمی فارسی و لاتین و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع تحقیق استفاده شده است.

یافته‌ها: در یافته‌های پژوهش به بررسی نظریه‌های زبان‌شناسی و چهارچوب مفهومی مرتبط با ناشنوایان، نظریه فلسفی و ادبی در رابطه با ناشنوایان، نظریه جامعه‌شناسی تعامل با ناشنوایان و تأثیر مؤلفه‌های آموزشی در تعامل بین پلیس، شهروندان و ناشنوایان با محوریت پاسخ به دو سؤال مرتبط به تحقیق پرداخته شده است.

نتایج: حاکی از آن است که پلیس با شهروندان و جامعه ناشنوایان در ارتباط است و تعامل دارد و در حقیقت هر چه تعامل این دو قشر به درستی صورت گیرد باعث افزایش امنیت شهروندان ناشنوا در جامعه می‌شود. آموزش هم در حوزه پلیس و هم در جامعه ناشنوایان نقش اساسی و حیاتی دارد. جایگاه این قشر جامعه باید مشخص و بر اساس آن برنامه‌ریزی و رفتار شود. هرچقدر تعامل میان پلیس، شهروندان و افراد با ناتوانایی شنیداری بیشتر شود درصد خطا و اشتباه کم و احساس امنیت بالا می‌رود.

کلیدواژه‌ها: زبان، معلولیت شنیداری، شهروندان ناشنوا، تعامل پلیس، امنیت

۱. استادیار گروه ادبیات و زبان انگلیسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. ایمیل

(nozenzahra@gmail.com)

مقدمه

زبان از دیرباز وسیله ایست برای درک نیت، هدف و احساسات طرف مقابل. انسان‌ها از طریق زبان با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، زندگی می‌کنند و به زندگی ادامه می‌دهند. زبان و روش استفاده از آن در کلیه روابط انسانی تأثیرگذار است. هرچند در دنیای متمدن امروزی زبان بدن، حرکات صورت و نگاه نقش مهمی را ایفا می‌کند ولی هر جا که دقت و قضاوت پا به عرصه می‌گذارد زبان و ادای کلمات بسیار تأثیرگذار است و نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده می‌گیرد.

فراگیری زبان یک پدیده اجتماعی است و محیط کودک، به‌ویژه نقش آموزشی مادر یا هر مسئول دیگر در حد ساختن چهارچوبی^۱ برای فراگیری و درونی کردن معرفت بیرونی و تبدیل آن به ابزاری برای کنترل آگاهانه یا تنظیم خود^۲ است (هالیدی^۳، ۱۹۹۸: ۱۷-۵). از نظر ویگوتسکی، زبان که در دیدگاه کودک یک فعالیت مشترک اجتماعی به شمار می‌آید، به‌وسیله‌ای اساسی (بعد از گذراندن مراحل) برای نظم بخشیدن و پالایش رفتار تبدیل می‌شود. ویگوتسکی و طرفدارانش به سه مقوله انتظام دهی^۴ در ارتباط زبانی اشاره می‌کنند. (فولی^۵، ۱۹۹۰: ۱۰۲-۸۱ و ۱۹۹۱: ۴۲-۲۲). تا سن ۴ سالگی اغلب انسان‌ها توانایی ارتباط از طریق زبان را پیدا می‌کنند. تا سن ۶ یا ۷ سالگی، اغلب انسان‌ها می‌توانند چیزهایی را که نوشته شده درک و بیان کنند. این توانایی منحصر به فرد ارتباط از طریق زبان مادری انسان‌ها را از حیوانات جدا می‌سازد. این قابلیت برای انسان‌ها بسیار مهم و حیاتی است تا آنجایی که هیچ‌گونه دیگری از موجودات زنده از چنین موهبتی برخوردار نیستند. سخن گفتن از ویژگی‌های انسان

-
1. Scaffolding
 2. Self-regulation
 3. Halliday
 4. Regulation
 5. Foley

است. هیچ حیوانی قادر به سخن گفتن و درک زبان همانند انسان نیست (پینکر^۱، ۱۹۹۷: ۱۳۹۵).

در کشورهای پیشرفته تمرکز زیادی بر آموزش ناشنوایان و تولید فیلم‌های آموزشی برای تعامل آن‌ها با پلیس شده است؛ مانند فیلم‌های آموزشی مارلی مالتین^۲ درباره ناشنوایان و تعامل آن‌ها با پلیس. او که خود یک ناشنواست و همسرش پلیس است بر این عقیده است که فرهنگ پلیس با فرهنگ ناشنوایان متفاوت است و آموزش می‌تواند پلی باشد بین این دو فرهنگ و ایجاد امنیت هم برای پلیس و هم فرد ناشنوا. در این فیلم‌ها به ناشنوایان آموزش می‌دهد که چگونه می‌توانند از حقوق خود مانند یک شهروند عادی دفاع کنند بدون اینکه آسیب ببینند یا حقی از آن‌ها ضایع شود (مارلی مالتین، ۲۰۲۰).

در اغلب کشورها حتی با داشتن قوانینی جامع و سخت در خصوص افراد با معلولیت شنوایی در هنگام اجرای قوانین، خصوصاً در مورد تعامل پلیس با این قشر جامعه کاملاً ناتوانند و چه بسا در خیلی موارد به قیمت جان فرد ناشنوا تمام شده است. در کشوری مانند آمریکا پلیس در هنگام دستگیری شخص با ناتوانی شنیداری ملزم به برقراری ارتباط با مترجم ناشنوایان در مرکز پلیس، اجرای کارگاه‌های سالیانه آموزشی برای تعامل با ناشنوایان، دانستن علائم و نشانه‌های مربوط به ناشنوایان، دستبند زدن به آنان در جلوی بدنشان شده است. همچنین استفاده پلیس از مترجمان ناشنوایان از میان مردم عادی ممنوع است. بنا به عقیده روزنبلام^۳، کسی که خود رئیس جامعه ناشنوایان است «تمرکز رسانه‌ها بر پلیس باعث افزایش توجه به مشکلات و مسائل ناشنوایان شده است.

1. Pinker
2. Marlee Maltin
3. Rosenblum

ولی با بررسی اتفاقات پیش رو نتیجه در مورد ناشنویان بسیار متفاوت است.»
(روزنبلام، ۲۰۱۱: ۱۰۶۹)

زمانی که افراد را تنها در روز و یا هفته‌ای خاص در تقویم یاد کنند یعنی برای آن‌ها اقدام و تلاش خاصی صورت نگرفته و تنها به دلیل یک وظیفه این اقدام صورت گرفته است. این شرایط ناشنویان در دنیای متمدن کنونی است. دنیای آن‌ها با سکوت می‌گذرد، نگاهشان پر از گلایه است از مسئولین و جامعه‌ای که در صداوسیما، راه‌آهن و ترمینال، اورژانس، آتش‌نشانی، مراجعه به پزشک، حتی تعقیب و گریز و تعامل با پلیس و... جدی گرفته نشده‌اند. لذا تعامل پلیس با افرادی که دارای معلولیت شنیداری (ناشنا) بوده است بسیار مهم و تأثیرگذار است که در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی سؤالات زیر می‌باشیم:

۱. موقعیت و شرایط ناشنویان در دنیا در تعامل با پلیس و احقاق حقوقشان چگونه است؟
۲. موقعیت و شرایط ناشنویان در ایران در تعامل با پلیس و احقاق حقوقشان چگونه است؟

مبانی نظری

تعامل اجتماعی

در دایره‌المعارف علوم اجتماعی تعامل یعنی عمل متقابل دو یا چند موجود زنده با یکدیگر (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۳۶۴). کنش متقابل اجتماعی (تعامل اجتماعی) زمانی است که عملی از شخصی سر بزند که با پاسخ از سوی فرد دیگر همراه باشد. در این صورت میان این دو شخص یک رابطه اجتماعی برقرار می‌گردد (شهسواری، ۱۳۹۷: ۲).

به اعتقاد ماکس وبر کنش عبارت از تمام رفتارهای انسانی است که در آن فرد کنشگر معنای ذهنی به رفتارش نسبت می‌دهد. کنش در این معنا ممکن است مشهود یا صرفاً

درونی یا ذهنی باشد، ممکن است شامل مداخله مثبت در یک موقعیت، یا خودداری عمومی از چنین مداخله‌ای یا پذیرش منفعلانه وضعیت باشد. کنش در صورتی اجتماعی است که به‌صرف معنای ذهنی که فرد (افراد) کنشگر به آن نسبت می‌دهند، رفتار دیگران را به حساب آورده و بدین ترتیب بر اساس آن جهت‌گیری شود (دعاگویان، ۱۳۸۴: ۱۵).

ناشنوایان

گفتار درونی (بیان برای خود) خاموش است، لفظی و اوایی نیست، نیاز به بیان کامل آن و استفاده از لغات دقیق نداریم. گفتار درونی تقریباً بی‌کمک کلمه صورت می‌گیرد، برای درک آن ایما و اشاره کفایت می‌کند. گفتار درونی در ذهن اتفاق می‌افتد و هرچند به اندیشه گرایش دارد، اما از نظر نحو کامل نیست. گفتار بیرونی، گفتاری است برای تعامل با دیگران. در گفتار بیرونی، اندیشه به‌صورت کلمات قراردادی با بهره‌گیری از مهارت‌های زبانشناسی بروز می‌کند (چامسکی^۱، ۱۹۵۷: ۱۸۴-۱۷۹).

در باور عمومی زبان گفتاری تنها راه ارتباط و بیان اندیشه است ولی با پیشرفت بشر زبان شکل معمول خود را از دست داده اصطلاحات و جملات کوتاه مفاهیم گسترده‌ای را القا می‌کنند. زبان بدن، ارتباط از طریق چشم حاوی مفاهیم زیادی است که بشر بر اساس توانایی خود از آن‌ها سود می‌برد. بشر متمدن امروزه نه تنها سعی دارد با جامعه خود در ارتباط مستمر باشد بلکه سعی در ابداع روش‌های مختلف زبانی و ایجاد روش‌های متنوع زبان اشاره به ارتباط با دنیای حیوانات مانند شامپانزه و دلفین هاست. حال این بشر با این همه داعیه خود در زمینه تحول و پیشرفت در ارتباط چقدر در ارتباط و تعامل با ناشنوایان موفق بوده است؟ زبان اشاره، زبانی است برای دیدن و زبان اشاره صرفاً هجی دستی کلمات فارسی نیست. در زبان اشاره بسیاری از

اشارات شباهت تصویری به مصداق واقعی خود در جهان خارج دارند که این یکی از ویژگی‌های متمایزکننده زبان اشاره از زبان گفتاری است که به آن تصویر گونگی اطلاق می‌شود.

در میان افراد دارای معلولیت ناشنویان اکثریت دارند. بنا بر گفته سازمان جهانی بهداشت حدود ۵ درصد جمعیت جهان ناشنوا یا کم‌شنوا هستند. این حق این افراد است که زبان اشاره را بیاموزند و برای ارتباط با محیط پیرامون خود به کاربندند (سازمانی جهانی بهداشت^۱، ۲۰۲۰).

در بندهای ۹، ۲، ۲۱، ۲۴، ۳۰ کنوانسیون حقوق توان‌خواهان^۲، حق برخورداری از زبان اشاره و حق آموختن آن، یک اصل حقوق بشری خوانده شده است. مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ قانون مدنی ایران که در سال ۱۳۰۷ تصویب شده، اشاره را به عنوان وسیله تفهیم و تفاهم به رسمیت شناخته است. ماده ۶۴ قانون ثبت اسناد رسمی، استفاده از زبان اشاره را به مثابه یک وسیله ارتباطی با ناشنویان برای معاملات، تحقیقات قضایی، تنظیم اسناد و... باید رابط یا مترجم به همراه داشته باشند. مسئله و مشکل اصلی ناشنویان در برقراری ارتباط با افراد شنوا است.

مصباح (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «ناشنویان ایرانی: از باغچه اطفال تا کنگره‌های جهانی» این چنین می‌نویسد: ۹۵ سال از تأسیس اولین مدرسه ناشنویان می‌گذرد. حالا این اقلیت زبانی، جامعه‌ای آگاه و متشکل است که در مناسبت‌های مختلف داخلی و خارجی، حقوق انسانی و اجتماعی خود از جمله دسترسی فراگیر به رابط و زبان اشاره را مطالبه می‌کند. او در ادامه می‌نویسد: وقتی جبار باغچه‌بان اولین مدرسه ناشنویان را دایر کرد، از واژه «کر و لال» به جای ناشنوا استفاده می‌شد. روی تابلو مدرسه هم نوشته شده بود دبستان کر و لال‌ها. اینجا خانه محقری بود در چهار راه حسن آباد

1. World Health Organization

2. The Convention on the Rights of Persons with Disabilities or CRPD

با کلاسی کهنه و چند میز و نیمکت شکسته که شش دانش آموز با سنین مختلف در آن درس می خواندند.

تعامل پلیس و ناشنویان

امروزه ناشنویان درصد اندکی از جامعه نیستند بلکه هر روز به تعداد آنان افزوده می شود؛ و این وظیفه هر پلیس مرد و یا زن است که در ذهن خود بسپارد، وقتی که شخصی را به هر دلیلی کنار می کشد، ممکن است این فرد ناشنوا یا دارای مشکلات شنوایی باشد. پلیس باید بداند که وقتی فردی ناشنوا را دستبند می زند، تمام توانایی او را برای ارتباط از او می گیرد، چون همه ی ارتباط او با دست است. این بدان معناست که پلیس فارغ از اینکه شخصی که با او تعامل دارد شنواست یا از ناشنوایی رنج می برد باید از ارتباط غیر کلامی نیز آگاهی داشته باشد. در بسیاری از آموزشگاه های مصاحبه و بازجویی در سراسر دنیا به مأموران آموزش می دهند که چگونه با تسلط بر ارتباط غیر کلامی می توانند به نیت طرف مقابل پی ببرند و چگونه تشخیص دقیق ضامن قضاوت درست در پرونده های جنایی است. گوش دادن عنصر بسیار مهم در تعاملات است. حال اگر این عنصر در تعامل بین پلیس و فرد با مشکلات شنوایی حذف شود، وظیفه خطیری بر دوش هر دو در این ارتباط می گذارد. پلیس باید زمینه مناسبی برای ارتباط با این اشخاص فراهم کند همچنان که این افراد هم برای تعامل با پلیس نیازمند آموزش اند. این گام اول بسیار مهم در تعامل دوطرفه است. قدم بعدی فراهم آوردن شرایط لازم برای حضور یک رابط است تا بتواند انتقال دهنده ارتباط بین دو طرف باشد.

پلیس باید از تقویت کننده های ارتباطی مانند توصیف کردن، مساوات، پذیرش نظرات دیگران، مسئله محوری، حسن نیت و همدلی بهره برد. (دعاگویان، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

به عقیده وبر^۱ (۲۰۱۶) بزرگ‌ترین مشکل پلیس در تعامل با افراد ناشنوا نداشتن رابط است. به نظر آن‌ها استفاده از خانواده و نزدیکان به‌عنوان رابط کار درست و معقولی نیست؛ زیرا ارتباط عاطفی بین این افراد روند دادرسی را مختل می‌کند. برای حل این مشکل به چند نکته تا رسیدن رابط اشاره و تأکید می‌کند:

۱. جایی را پیدا کنید که نور کافی دارد و از سروصدای اضافی به دور است.
۲. برای اینکه شخص کم‌شنوا و یا ناشنوا متوجه شما شود با دست به شانه‌اش بزنید.
۳. اطمینان حاصل کنید که هر دفعه یک نفر صحبت می‌کند.
۴. وقتی صحبت می‌کنید دهانتان را نپوشانید و یا آدامس نجوید.
۵. برای اینکه ارتباط شفافی داشته باشید از علائم دیداری استفاده کنید.
۶. آرام و شمرده صحبت کنید.

وبر تأکید می‌کند که همه افراد ناشنوا و یا کم‌شنوا قادر به لب‌خوانی نیستند. حتی اگر هم بتوانند ۳۰ تا ۴۰ درصد امکان‌پذیر است؛ بنابراین آن‌چنان ارزشی ندارد و نباید بر آن تکیه و اعتماد کرد. در امریکا وب‌سایتی طراحی شده بر اساس قانون معلولین امریکا تا بتواند پاسخ‌گوی این قشر جامعه در مورد مسائل حقوقی‌شان باشد. (وب‌سایت امریکا برای معلولان^۲، ۲۰۱۰).

پیشینه پژوهش

هندیانی و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان «آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی» انجام دادند. در این تحقیق، تلاش شده تا عواملی که بر تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی تأثیر منفی دارند، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آسیب‌های تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی به دو صورت کلان و خرد، تحت تأثیر عواملی

1. Weber

2. Americans with Disabilities Act Website

دوجانبه از طرف پلیس و دستگاه قضایی قرار دارند که در این میان بسیاری از عوامل به نحوه عملکرد نامناسب دستگاه قضایی برمی گردد. فقدان تلاش کافی دستگاه قضایی برای تعریف جایگاهی خاص برای جرم یابی در برنامه های کلان کشوری و قوانین توسعه کشور، توجه کم دستگاه قضایی به ادله علمی در اثبات جرائم و تکیه بیش از حد بر صدور حکم بر مبنای اقرار، فقدان اهتمام جدی در خصوص تشکیل بانک های اطلاعاتی ضروری برای جرم یابی، آشنایی کم مقامات قضایی دادسرا با علوم جرم یابی، صدور دستورات غیرقابل اجرا در برخی موارد و پافشاری بر اجرای آن ها، از جمله مشکلاتی هستند که یک تعامل سازنده را به تعاملی شکننده و ضعیف تبدیل می کنند؛ بنابراین، تعامل ضعیف و ناکافی پلیس و دستگاه قضایی، باعث کاهش موفقیت پلیس در کشف سریع و دقیق جرائم شده و به تبع آن، انجام تحقیقات مقدماتی و دادرسی در دستگاه قضایی نیز با مشکلات زیادی از جمله اطاله دادرسی مواجه می شود.

حق نظری و شایگان (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «نقش مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم» انجام دادند که یافته های تحقیق نشان داد که مشارکت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نهادهای مردمی در پیشگیری از جرائم نقش داشت و در این بین، مشارکت اجتماعی از تأثیرگذارترین عوامل و بعد از آن، مشارکت های فرهنگی و اقتصادی قرار داشتند. مشارکت سازمان های مردم نهاد می تواند موجب کاهش جرائم شود. به هر میزان که سمن ها در پیشگیری از جرم مشارکت کنند فرهنگ مشارکت در پیشگیری از جرائم را در جامعه رواج داده و ارتباط بهتری بین پلیس و مردم به وجود می آید که به نوبه خود باعث کاهش جرائم خواهد شد.

دعاگویان (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان «تعامل پلیس و مردم» می نویسد: تعاملات اجتماعی به معنای ارسال انتظارات، خواسته ها و دریافت پیام ها مستلزم چیزی بیشتر از مهارت های کلامی ساده است. ارتباطات پلیس همیشه تعاملی استراتژیک است که در

پی برآورده ساختن انتظارات، اهداف و برنامه‌های نظام‌مند مردم است. در روابط اجتماعی پلیس نه تنها دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه نحوه گسترش دیگران را نسبت به امنیت اجتماعی و ناجا شکل می‌دهد. افزایش مهارت‌های غیرکلامی پلیس موجب عمق بخشیدن به روابط اجتماعی پلیس و کنترل محیط می‌شود (دعاگویان، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

آمیل فیلدس^۱ (۲۰۱۷) در نتایج پژوهش کیفی خود با عنوان «پلیس و جامعه ناشنویان» به این نتیجه رسید که یک شهروند به نام دنیل هریس^۲ ۲۹ ساله به ضرب گلوله پلیس در شمال کارولینا^۳ کشته شد. بعد از اینکه به دلیل سرعت بالا، توسط پلیس متوقف شد و پلیس فکر کرد او به دنبال سلاح در داشبورد ماشین است. او صدای پلیس را نمی‌شنید. برادر ناشنوی او با کمک یک مترجم به پلیس گفت که مضروب یک ناشنوا بوده و نتوانسته با پلیس همکاری کند.

داگ ویلی^۴ (۲۰۱۶) کسی که خود سخنگوی ارشد پلیس است و سال‌های زیادی از عمر خود را صرف آموزش پلیس در موضوعات گوناگونی کرده و در سال ۲۰۱۴ برنده جایزه مگی^۵ و عضو مریبان پلیس بین‌المللی نیز هست در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط پلیس با ناشنویان: نکات و ابتکارات برای ایمنی افراد» این چنین از شرایط می‌گوید: بر اساس مصوبه سازمان سلامت و خدمات انسانی در امریکا تقریباً یک نفر از ده نفر در امریکا می‌توانند از خدمات شنیداری استفاده کنند. در حدود ۲ درصد از افراد بزرگ‌سال بین سنین ۴۵-۵۴ سال مشکلات شنیداری دارند. این میزان در افراد بین ۵۵-۶۴ سال به ۸/۵ درصد افزایش می‌یابد. بین سنین ۶۵-۷۴ سال به ۲۵ درصد و از ۷۵ سال

1. Amiel Fields
2. Daniel Harris
3. North Carolina
4. Doug Wyllie
5. Maggie Award

به بالا به ۵۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. تعامل پلیس با افراد با مشکلات شنوایی، به دلیل احتمال یک طرفه بودن و سوء تفاهم طرفین تقریباً بی‌فایده است. دانستن زبان اشاره توسط پلیس امریکا یک عمل غیرمعمول و بسیار ضعیف است و متأسفانه در مدارس کم‌تر به آموزش افراد برای ارتباط با ناشنوایان پرداخته شده است. اغلب تعاملات بین افراد ناشنوا و پلیس به تراژدی ختم می‌شود؛ و بسیاری هم به خشونت و دشمنی بین پلیس و مردم می‌انجامد. به‌رحال مردم از این سوء تفاهم رنج می‌برند. نمونه‌ای بسیار ساده از این سوء تفاهم‌ها این است که شخص ناشنوا به دستورات پلیس عکس‌العملی نشان نمی‌دهد و پلیس فکر می‌کند که این شخص مخصوصاً به او توهین کرده و هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. یا اینکه شخص مظنون می‌خواهد کارت مربوط به مشکل ناشنوایی خود را به پلیس نشان دهد و از آنجایی که پلیس باید بسیار هوشیار و سریع باشد با فرض بر اینکه او در حال بیرون آوردن سلاح از جیب خود است، فرد ناشنوا را مورد اصابت گلوله خود قرار می‌دهد. جرم او تنها کارتی است که روی آن نوشته شده «من ناشنوا هستم» و پاسخ او خشونت است. به اعتقاد داگ^۱ «مسئلاً در میان مجرمان افراد ناشنوا هم هستند ولی اکثریت نیستند و در اقلیت‌اند، آن‌ها از پلیس می‌ترسند، حداقل در ابتدای مواجهه شدن با یک پلیس، چون می‌ترسند که پلیس آن‌ها را درک نکند و به دلیل سوء تفاهم بین خود و پلیس. این بسیار مهم است و باید به آن توجه اساسی شود». در بسیاری از ادارات پلیس در امریکا وسایل اولیه‌ای برای ارتباط با ناشنوایان فراهم شده است. حتی به مأموران پلیس آموزش داده شده که چگونه با یک‌قلم و کاغذ با افراد ناشنوا ارتباط برقرار کنند. وبر^۲ می‌گوید این خوب است ولی برای تعاملات کوتاه بین پلیس و افراد ناشنوا و بسیار مهم است که پلیس بداند زبان اشاره با زبانی که ما از آن روزمره استفاده می‌کنیم کاملاً متفاوت است. زبان اشاره

1. Doug

2. Weber

گرامر و قوانین خود را دارد. بسیاری از افراد کر و لال زبانی که در جامعه کاربرد دارد زبان دوم آن‌هاست، آن‌ها در زبان اشاره تبحر دارند (وحید و اتیا^۱: ۲۰۲۰).

روش پژوهش

با توجه به موضوع نظری تحقیق، روش آن به صورت تحلیل مفهومی و اسنادی بوده و برای گردآوری داده‌ها به منظور دستیابی به نتایج تحقیق، از ابزار کتابخانه‌ای، اینترنت، کتب و مقالات علمی فارسی و لاتین و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع تحقیق استفاده شده است. همچنین سعی شده است از منابع و اسناد مطالعاتی به عنوان ابزاری برای پی بردن به ماهیت مطالب و کنش‌های عاملان اجتماعی استفاده گردد. کلیه مقررات مدون مرتبط با حقوق و قوانین جامعه ناشنویان در حول و محور موضوع تحقیق بررسی شده است و موارد متعددی از تجربیات پلیس در نقاط مختلف جهان با معلولین گفتاری و شنیداری مطالعه و جمع‌آوری شده است.

یافته‌های پژوهش

نظریه زبانشناسی و چهارچوب مفهومی مرتبط با ناشنویان در پاسخ به سؤال

اول پژوهش

در مقاله‌ای با عنوان «زبان و اجتماعی شدن: کاربرد انسان‌شناسی زبان»، امیلیا نرسیسیانس، نظریه ویگوتسکی در خصوص اندیشیدن با زبان را به سه مرحله از توسعه گفتار و تفکر تقسیم و این گونه بیان می‌کند:

مرحله اول: گفتار اجتماعی، مرحله دوم: گفتار خودمحوری و مرحله سوم: توسعه گفتار درونی

در مرحله سوم گفتار در شخصیت رخنه و «خود» آگاه یا «من» را به وجود می‌آورد. در این مرحله فکر و گفتار به هم متصل می‌شوند و اشکال جدیدی از اندیشه را به وجود می‌آورند که ویگوتسکی نام آن را اندیشه لفظی می‌گذارد (ویگوتسکی^۱، ۱۹۶۲).

گفتار درونی (بیان برای خود) خاموش است، لفظی و آوایی نیست، نیاز به بیان کامل آن و استفاده از لغات دقیق نداریم. گفتار درونی تقریباً بی کمک کلمه صورت می‌گیرد، برای درک آن ایما و اشاره کفایت می‌کند. گفتار درونی در ذهن اتفاق می‌افتد و هر چند به اندیشه گرایش دارد، اما از نظر نحو کامل نیست. گفتار بیرونی، گفتاری است برای تعامل با دیگران. در گفتار بیرونی، اندیشه به صورت کلمات قراردادی با بهره‌گیری از مهارت‌های زبانشناسی بروز می‌کند (چامسکی^۱، ۱۹۵۷: ۱۸۴-۱۷۹).

تنها نقطه تمایز با افراد ناشنوا استنباط و فهم زبان و نحوه استفاده از آن می‌باشد. اگر زبان را تنها راه ارتباط و بیان اندیشه بدانیم، معاشناسی بخشی از نحوه انتقال معنا از طریق زبان خواهد بود.

فردیناندوسوسور^۲ در حدود یکصد سال پیش انقلابی در علم زبانشناسی به وجود آورد که قبل از وی مطالعه در زمانی^۳ را به هم‌زمانی^۴ تبدیل کرد. به عقیده سوسور، زبان دستگاهی است از نشانه‌ها که بیانگر افکارند و از این رو با خط، الفبای کر و لال‌ها، آیین‌های نمادین، شیوه‌های ادای ادب و احترام، علائم نظامی و... قابل قیاس است (تایللی^۵، ۲۰۱۸: ۱۷۳).

به همین جهت احتمال می‌رود، اهمیت دادن به زبان ناشنوایان با نظریات سوسور هم‌زمان شده باشد.

1. Vygotsky
2. Chomsky
3. Ferdinand de Saussure
4. Diachronic
5. Synchronic
6. Tilley

تأسیس مدرسه ناشنویان باعچه‌بان پس از یا هم‌زمان با نظریات معناشناسی^۱ و علائم‌شناسی فردیناندوسوسور، این باور را تقویت می‌نماید که زبان ناشنویان کم‌تر از یک قرن است که به صورت علمی مورد توجه قرار گرفته است. نشانه^۲ بر هر چیزی که به غیر از خود دلالت کند گفته می‌شود و دارای ویژگی‌های سه‌گانه می‌باشد: ۱- هر چیزی که بتواند فرم و شکل داشته باشد. ۲- بتواند به چیزی از خود ارجاع دهد. ۳- نشانه باید توسط استفاده‌کنندگان به عنوان یک نشانه خاص قابل شناسایی باشد. نشانه هم‌متن و هم تصویر و هم اطوار است (اراکي^۳، ۲۰۱۶: ۴۳۳).

ویژگی سوم نشانه‌ی مطرح شده از طرف سوسور، به زبان ناشنویان اشاره می‌کند. ناشنویان زبان مختص به خود دارند که برای افراد در این جامعه قابل فهم است. زبان مادری و یا اولین زبان ناشنویان زبان اشاره است.

نظریه فلسفی و ادبی در رابطه با ناشنویان: بر اساس نظریه پیتربارب^۴ (۱۹۷۹) بشر در مرحمت زبان است^۵: «یعنی انسان با زبان زنده است و تفکر بدون زبان امکان‌پذیر نیست». نوع برداشت و استنباط ناشنویان از زبان نحوه تفکر آنان را نیز تعریف می‌کند.

بر اساس نظریه سایپوروف^۶ (۲۰۱۵) «ذات زبان ما، شالوده افکار ما را تعیین می‌کند»^۷ و از آنجایی که ناشنویان زبان و ساختار معناشناسی خاص خود را دارند، شاید از نظر تفکر نیز با ما متفاوت باشند. به همین جهت استنباط صحیح از توانمندی زبان و طرز تفکر آن‌ها در تعامل پلیس با این جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

1.Semiotics

2.Sign

3.Araki

4.Peter Farb

5.Man at the Mercy of Language

6.The Sapir-Worf Hypothesis

7.The nature of our language affects the nature of our thoughts

استفاده و به‌کارگیری نیروی پلیس ناشنوای آشنا به قوانین و امور پلیسی و آشنا به زبان و تفکر جامعه ناشنوایان، می‌تواند پلی باشد میان نیروهای پلیس و جامعه‌ی پرسروصدا و پرچالش ناشنوایان.

در دفتر چهارم، مولانا به زبان دیگری به این مهم می‌پردازد؛ اینکه برای کنترل ناهنجاری‌های جوامع ناشنوا، از «جنس خود ناشنوایان» بهره جست:

سوی جنس آید سبک زان ناودان جنس بر جنس است عاشق جاودان
سوی بام آمد زمتم ناودان جاذب هر جنس را هم جنس دان
مولانا در مثالی در دفتر چهارم، مشکل زنی که پیش مرتضی برای راه‌کار به پناه آمده بود، بدین گونه راه‌گشا شد.

ناشنوایان پلیس، از هزارتوی سنجش و جذب نیروهای پلیس که سلامت چشم و گوش و زبان از اصول غیرقابل‌تغییر آن می‌باشد، می‌بایست به نحوی راه خود را برای حل و فصل و تدوین مقررات هم‌زبانان و هم‌کیشان خود در جوامع ناشنوایان پیدا کنند. حوادث پلیسی علیرغم ظاهر ساده آن، از پیچیدگی‌ها و امور معماگونه‌ای برخوردار است. نویسندگان مشهور داستان‌های پلیسی که سنگ بنای آن از هملت شکسپیر^۱ نهاده شده و در ادبیات معاصر توسط شخصیت‌های تخیلی ادگار آلن پو^۲ و شرلوک هولمز^۳ دوئل^۴ ادامه پیدا کرده است، همواره برای خوانندگان از جذابیت خاصی برخوردار بوده است. صحنه‌های متفاوت جرم، یکی پس از دیگری توسط شاهدان عینی در چند صد صفحه به تصویر کشیده می‌شود تا اینکه شخصیتی پلیسی و کارآگاهی بتواند به کنه معمای پیچیده‌ی جنایی پی‌برد. این نویسندگان که استادان سخن نام‌گرفته‌اند، از دامنه لغات بی‌انتهای خود بهره برده و به نقل داستان می‌پردازند.

-
1. Hamlet of Shakespeare
 2. Edgar Allen Poe
 3. Sherlock Holmes
 4. Doyle

با استفاده از این نمونه سعی بر این است تا دشواری توصیف معضلات فرد ناشنوا از موقعیت‌های جنایی را درک کنیم. اینکه که چگونه یک فرد ناشنوا با استفاده از دستان و زبان بدن، از وقایعی که برای او پیش آمده است، در کوتاه‌ترین مدت و در شدیدترین شرایط روحی پرده بگشاید و گاهی بر این دست‌ها دستبند زده شده که او حتی قادر به استفاده از دست‌ها نیز نمی‌باشد.

شرلوک هلمز زبان‌بسته، مجبور به تعریف حوادث منجر به دستگیری خود خواهد بود، چه بسا شنا کردن با دستان بسته آسان‌تر از انتقال پیام با دستان دستبند شده باشد.

نظریه جامعه‌شناسی تعامل با ناشنویان در پاسخ به سوال دوم پژوهش

پور اسدی و نوروزی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر مؤلفه‌های آموزشی در پلیس جامعه‌محور» تأکید می‌کنند که: پلیس جامعه‌محور به پلیسی گفته می‌شود که دو هدف عمده را در راهبرد خود در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی دنبال می‌کند. بدین ترتیب می‌توان رویکرد جامعه‌محوری پلیس را یک نوع استراتژی سازمان پلیس دانست که بر دو پایه اصلی استوار است. اولین پایه این راهبرد را لزوم برقراری تعامل پلیس با ارکان مختلف جامعه به منظور خدمتگزاری بهتر به مردم تشکیل می‌دهد. در واقع یکی از اهداف اصلی آن است؛ «سازمانی برخاسته از مردم، کنار مردم و برای مردم». دومین پایه راهبری جامعه‌محوری پلیس، عمومی تلقی نمودن مقوله‌ی نظم و امنیت اجتماعی است. بدین معنا که پلیس نه می‌خواهد و نه می‌تواند که به تنهایی نظم و امنیت را در جامعه برقرار نماید. بلکه این سازمان در جهت برقراری نظم و امنیت در جامعه نیازمند کمک و حمایت مردم و دیگر سازمان‌ها و نهادها می‌باشد.

این پژوهش به تعامل اجتماعی بین پلیس و افراد ناشنوا به عنوان بخش مهمی از جامعه پرداخته است. از ویژگی‌های بسیار مهمی که در دنیا به عنوان یک برتری برای پلیس مقتدر در نظر گرفته می‌شود، احساس محبت و از آن فراتر حس همدردی پلیس برای افراد در تعامل با پلیس است. پلیس ضمن حفظ قدرت و اقتدار خود این حس را

به‌خوبی می‌تواند با ارتباط غیر کلامی در طرف مقابل ایجاد کند. این نه تنها استرس و اضطراب را در تعاملات اجتماعی کاهش می‌دهد بلکه ایجاد اعتماد و امنیت هم برای پلیس و هم برای شخص مظنون دارد.

آنچه پلیس را از دیگر مشاغل و موقعیت‌های اجتماعی متمایز می‌سازد این است که پلیس با همه اقشار اجتماعی از کودک تا بزرگسال با هر میزان سواد، سن، جایگاه اجتماعی در ارتباط و تعامل است؛ بنابراین باید با زبان، طرز تفکر و دانش هر کدام به اندازه خود اطلاع داشته باشد. رفتار کلامی و غیر کلامی بسیار حائز اهمیت است، چرا که پلیس ضامن امنیت و سلامت جامعه است. سخنگوی شبکه ملی ناشنویان ایران می‌گوید: ناشنویان فقط به زبان دیگری سخن می‌گویند؛ به آن‌ها ترحم نکنید. مهم‌ترین مشکل ناشنویان عدم ایجاد ارتباط است.

همه‌ی ما در طول زندگی خود بارها و بارها با پلیس در ارتباط و تعامل هستیم. در خیابان، بیمارستان، در مراکز خرید، به‌عنوان شاهد و یا متهم، خواسته یا ناخواسته برخورد با پلیس می‌تواند استرس‌زا باشد. حال برای قشری هرچند اندک از جامعه که در همه موقعیت‌های اجتماعی (مدرسه، خیابان، بیمارستان، صداوسیما، پارک‌ها، سینما، آتش‌نشانی و...) کم‌تر دیده شده، دارای مشکل و چالش است، هم می‌تواند بسیار استرس‌زا و حتی ناخوشایند باشد. بدانیم که این افراد بسیار باهوش، خلاق و توانمند هستند و تنها تفاوت آن‌ها زبانشان و به‌عبارت‌دیگر نحوه ارتباط آن‌هاست. شاید این مشکل از ماست که در اکثریت هستیم و به زبان این افراد بی‌توجه بوده‌ایم. جامعه شنوا از بسیاری از حقوقی که جامعه ناشنوا دارند چشم‌پوشی کرده و چه بسا به آن‌ها ظلم کرده‌اند. تعامل با پلیس یک ارتباط مؤثر است و مهم‌ترین مشکل ناشنویان عدم ایجاد ارتباط مؤثر با افراد شنواست.

«آموزش صحیح، قوانین حمایتی و بودجه برای بخش رابطین وجود ندارد. ما در کشور رشته‌ای برای تربیت رابط در مراکز آموزش عالی نداریم. این در حالی است که در سطح جهانی می‌گویند برای هر دو ناشنوا باید یک رابط وجود داشته باشد» (مصباح به نقل از شهیدی، ۲۰۱۹).

به استناد آمار مستدل نیروی انتظامی، جمعیت ناشنوایان ایران ۵۲۰ هزار نفر است که جمعاً ۱۷ درصد آمار معلولان ایران را تشکیل می‌دهند. به تازگی برای این افراد در پلیس ۱۱۰ امکاناتی فراهم شده که به گفته معاون تربیت و آموزش ناجا این شرایط به همراه کارگاه‌های آموزشی ارتباط با ناشنوایان برای پلیس، می‌تواند اندکی از دغدغه‌های این افراد کم و احساس امنیت ایجاد کند.

امروزه در دنیا بر حضور پلیس جامعه‌محور، یعنی پلیسی که هدفش تنها خدمت به مردم جامعه است، انعطاف‌پذیر و دلسوز است، تکیه بر مشاوره و مذاکره دارد، تضمین‌کننده آرامش و آسایش شهروندان است، مردم را ناظر بر کار خود می‌بیند و پاسخگو است و عدالت و مساوات را همواره در نظر می‌گیرد تأکید فراوانی شده است. این بدان معنی است که هر عضو جامعه، صرف نظر از رنگ، نژاد، قومیت، جنسیت... شنوا یا ناشنوا برای پلیس حائز اهمیت است. به گفته بوخ هولتز و راث^۱ رفتارهای تقویت‌کننده ارتباط عبارت‌اند از: «روبه جلو خم شدن، لبخند زدن، سر تکان دادن، تماس مستقیم چشمی، خارج نشدن از بحث و توجه کامل»، این‌ها مهارت‌های گوش دادن اثربخش هستند و یک شنونده خوب بودن شیوه مهمی برای تقویت ارتباط است (دعاگویان، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

مهارت‌های گوش دادن مؤثر به معنای شنیدن نیست بلکه به معنای درک و تمرکز به چیزی است که گفته می‌شود؛ و این مهارت در تعامل با ناشنوایان یعنی تمرکز بر زبانی

که باید دیده شود؛ یعنی درک و توجهی که به واسطه سکوت آنان و عدم تولید صدای قابل فهم نباید از آنان دریغ شود. ناشنوایان به دلیل مشکلات شنیداری نمی‌توانند از گفتار استفاده کنند پس پلیس با حذف گفتار می‌تواند شنونده‌ای خوب و مؤثر برای دنیای پرسروصدای آن‌ها باشد. این مهارتی است که از پلیس جامعه‌محور و ضامن امنیت انتظار می‌رود.

با یک بررسی دقیق و موشکافانه در دنیا، با تحقیق و جستجو در پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها، مقالات و اخبار، آنچه مسلم است، این است که این قشر جامعه مورد بی‌مهری و توجه ناکافی قرار گرفته‌اند. این مشکل در روزهای خاصی که در سرتاسر دنیا به ناشنوایان اختصاص داده شده از زبان مسئولین و متولیان آنان قابل شنیدن است. شواهد این بی‌توجهی در جامعه ما نیز به وفور مشاهده می‌شود تا آنجائی که هم‌وطن ناشنوای ما همراه با تعداد زیادی افغانی غیرقانونی به افغانستان فرستاده می‌شود بی‌توجه به حق انسان بودنش و بی‌توجه به تلاشی که برای ماندن در سرزمین مادری‌اش می‌کند. در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است و اخبار در ثانیه قابل تعقیب است، نداشتن رابط ناشنوایان و یا در کشور خودمان تنها با پخش اخبار ناشنوایان در روز جمعه به آن پرداختن، مصداق بارز بی‌توجهی به این قشر آسیب‌پذیر جامعه است.

بحث و نتیجه‌گیری

ناشنوایان و کم‌شنوایان قشر مهمی از جامعه را تشکیل می‌دهند. تعامل و اعتماد آن‌ها ضامن امنیت و آرامش در جامعه است. آنان مانند سایر افراد جامعه نیازمند یادگیری مهارت‌هایی برای تعامل و تداوم زندگی هستند. افراد در جامعه ناشنوایان اغلب در خانواده‌های شنا متولد می‌شوند و کم‌شنوایان و یا ناشنوایان در سنین بالا هم از این قاعده مستثنی نیستند. بنابراین ارتباط ضعیف و درون‌گرایی جز لاینفک زندگی آن‌هاست. این افراد اغلب افسرده هستند و از عدم اعتماد به نفس رنج می‌برند. در حالی که آموزش و ارتباط درست با آنان می‌تواند این مشکلات را به حداقل برساند. اگر این

جامعه از سنین کودکی دیده شوند و بهای خود را به‌عنوان یک انسان و یک شهروند تأثیرگذار درک کنند، جامعه نیز از آن بهره بسیار خواهد برد. این افراد خلایقیت و توانایی بالایی دارند که باید شناخته شود و بر آن سرمایه‌گذاری گردد. از مجموع مطالب بیان‌شده در این تحقیق موارد ذیل را پس از بیان یک اتفاق واقعی می‌توان استنتاج و نتیجه‌گیری کرد:

این گوشه‌ای از خاطرات سید رضا قلی شهیدی است که در سال ۱۳۱۲ در سن ۱۱ سالگی به مدرسه باغچه‌بان رفت و بعدها ناظم آنجا شد. او در خاطراتش گفته است: «در آن زمان به ناشنویان می‌گفتند کر و لال و همه از کر و لال‌ها فرار می‌کردند. مردم می‌گفتند آن‌ها مثل مریضی و با می‌مانند و واگیر دارند. همه از من می‌ترسیدند. می‌ترسیدند که به ناشنوی مبتلا شوند. مرا مسخره می‌کردند. حتی در کوچه با من بازی نمی‌کردند.» او در ادامه می‌نویسد مردم حتی باغچه‌بان را هم مسخره می‌کردند. به تابلو مدرسه سنگ می‌زدند و باغچه‌بان را جادوگر و دروغ‌گو خطاب می‌کردند. رضا قلی شهیدی در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود:

«نابینایان از ما خوشبخت‌ترند آن‌ها به وسیله عصا کارهایشان را انجام می‌دهند ولی ما چون نه حرف می‌زنیم و نه می‌شنویم باید به کمک رابط کارهایمان را انجام دهیم. معلولین حرکتی هم می‌توانند شخصاً از حقوقشان دفاع کنند ولی ما که نمی‌توانیم بشنویم و حرف بزنیم از حقوقمان دفاع نمی‌شود. البته با بقیه معلولین همراهیم و کمکشان می‌کنیم.»

این جامعه آگاه و باهوش مانند همه انسان‌ها نیازمند برقراری ارتباط و تعامل با دنیای اطراف خود است. رضا قلی شهیدی، هوشمندانه به مشکلاتی چون آموزش و انتقال اسامی ذات و معنی، اسم مصدر و واژه‌های غیرقابل مشاهده اشاره کرد و در مصاحبه‌ای گفته بود: «اشیایی مثل میز و صندلی مشخص و قابل مشاهده هستند ولی کلماتی مثل

اطمینان، روح، وجدان، درد و غیره قابل مشاهده و ترسیم نیستند و در زبان اشاره هم نماد و تعریف مشخصی ندارند.»

امروزه تکنولوژی تسهیلات فراوانی برای ناشنوایان فراهم کرده است؛ مانند؛ شنیدن با چشم‌ها. طراحی عینک‌های مخصوص ناشنوایان، برای استفاده از فیلم‌ها در سینما. همانند کاری که در سنگاپور انجام شده است، جهت ایجاد شرایط یکسانی برای ناشنوایان تا از دیدن فیلم همراه با شنوایان در سینما لذت ببرند. حال که در دنیا تسلط پلیس بر چند زبان، اقتدار پلیس نام گرفته است پس یادگیری زبان دیداری ناشنوایان بسیار ضروری تر می‌نماید و آموزش زبان مشترک بین پلیس و ناشنوایان ضامن تعامل میان آنهاست. برای این مهم شاید دانستن تنها ۱۰ نشانه کفایت کند.

نیروی انتظامی با آموزش به کارکنان خود، به کارگیری رابطین متخصص و آشنا با جامعه ناشنوایان و حتی آموزش ناشنوایان پلیس رسالت اصلی خود که برقراری نظم و حفظ آرامش است را می‌تواند محقق سازد که یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های دعاگویان (۱۳۸۴)، هندیانی و همکاران (۱۳۹۷)، حق نظری و شایگان (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

پیشنهادها

- همواره پلیس به خاطر بسپارد که شخص مقابل او ممکن است دارای مشکلات شنوایی باشد و برای تعامل مؤثر بین پلیس و مردم، پلیس توانایی غیرکلامی را تقویت کند. بدین منظور در ادارات پلیس از رابطین مسلط به زبان ناشنوایان استفاده و همواره در دسترس باشند و از آنجایی که آموزش ناشنوایان در تعامل پلیس نقش بسیار مهمی دارد، این آموزش‌ها از سنین کودکی و در مدارس ارائه شود.

- امکانات کارگاه‌های آموزشی زبان دیداری برای مأموران پلیس همواره و پیوسته در نظر گرفته شود و در ادارات پلیس از تسهیلات و امکاناتی از قبیل دستگاه^۱ TTY یا دستگاه تبدیل گر صدا به نوشته^۲ مخصوص ناشنویان برای ارتباط شخص ناشنوی مظنون برای ارتباط با خانواده و نزدیکانش استفاده شود. ناشنویان ملزم به استفاده از علائم و کارت‌های مخصوص برای تعامل مؤثر با پلیس شوند و در صداوسیما برای هر برنامه‌ای که تولید می‌شود، ناشنویان در اولویت باشند. برای فیلم‌های آموزشی هم برای پلیس و هم برای ناشنویان سرمایه گذاری شود.

سپاسگزاری

سپاس پروردگاری را که از رحمت بیکران خود هستی بخش عالم گردید و بشر را با تعلیم و تربیت به سوی شناخت، تحسین و عبادت رهنمون ساخت و در این خلقت نعمات شنیدن و سخن گفتن را با درک و فهم عجیب ساخت تا در جامعه بشری به یاری یکدیگر شتافته و کمالات انسانی را سرلوحه رفتار و منش خودسازیم. این مقاله بدون همفکری و بهره‌گیری از یافته‌های سروران علم و ادب نمی‌توانست به قلم تحریر آورده شود که از این فرصت برای شکرانه همکاری با ایشان ایزد منان را سپاسگزارم.

منابع

- پور اسدی، محمد؛ نوروزی، بهرام. (۱۳۹۱). تأثیر مؤلفه‌های آموزشی در تحقیق پلیس جامعه محور، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴(۲): ۱۲۷-۱۴۴. قابل بازیابی از: https://jeaq.riau.ac.ir/article_523_2e6a36e0cace180f8caec346c59e1134.pdf

1. Teletypewriter known as a Telecommunication or TTY

2. A Speech –to-text interpreting service

- حق نظری، محمدرضا؛ شایگان، فریبا. (۱۳۹۵). نقش مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۱(۴۴): ۳۳-۵۲. قابل بازیابی از:
http://icra.jrl.police.ir/article_18191_3aa1c43463568593102c2acaf8bb8119.pdf
- دعاگویان، داود. (۱۳۸۴). تعامل پلیس و مردم. انتشارات: جهان جام جم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شهبوارانی، امیرمحمد. (۱۳۹۷). نظریه تبادل اجتماعی: نظریه ارتباطات و تعاملات بین فردی در جامعه. فصلنامه تحقیقات رسانه، ۱(۱): ۵۱-۷۰. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/file/download/article/1536739015-10145-4.pdf>
- مصباح، مهیندخت. (۲۰۱۹). ناشنویان ایرانی: از باغچه اطفال تا کنگره‌های جهانی. قابل بازیابی از: dw.com
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۷۷). زبان و اجتماعی شدن: کاربرد انسان‌شناسی زبان. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۱۱): ۱۶۳-۱۷۲. قابل بازیابی از:
https://jnoe.ut.ac.ir/article_15578_f2462a97f972ad02d1019d98d78f7ff5.pdf
- هندیانی، عبدالله؛ یاوری بافقی، امیرحسین؛ عبدی نژاد، صالح؛ عزیزی، سودابه؛ دعاگویان، داود. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تعامل پلیس و دستگاه قضایی در فرآیند جرم‌یابی. فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۳(۵۰): ۱۸۵-۲۰۸. قابل بازیابی از:
http://icra.jrl.police.ir/article_18855_266cca11790308a2f716b8935127c7f2.pdf
- Araki, N. (2016). Saussure's Theory of Sign. Bull. Hiroshima Inst. Retrieved from: http://harp.lib.hiroshima-u.ac.jp/it-hiroshima/file/12127/20160205162312/research50_001-007.pdf

- Amiel Fields, Meyer. (2017). When Police Officers Don't Know About the ADA. Retrieved from: <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2017/09/the-steadily-problematic-interactions-between-deaf-americans-and-police/541083/>
- Chomsky, N. (1957). *Syntactic Structures*. The Hague: Mouton
- Foley, J.A. (1990). Task-based Approaches to Language Learning from the Learner's Point of view, *Language and Education* 4:81-102
- Halliday, M.A.K.(1977). *Learning How to Mean: Explorations in the Development of Language*. London: Edward Arnold ,6(1): 114-118
Retrieved from <https://doi.org/10.1017/s0047404500004942>
- Lucy, J.A. (2015). *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*. Second Edition
- Mortensen, David M. (1979). *Communication Theory*. Second Edition. USA: Transaction Publishers
- Marlee Maltin on Deaf and Police Interaction.(2020).American Civil Liberties Union
- Pinker, S. (1997). *The Language Instinct: The New Science of Language and Mind*. London: Penguin:1395
- Rosenblum, H. (2011). Communication Access Funds: Achieving the Unrealized Aims of the American with Disabilities. *Valparaiso University Law Review*. 45 (320): 1061-1093.
Retrieved from: <http://scholar.valpo.edu/vulr/vol45/iss3/6>
- Tilley, H. (2018). *Blindness and Writing; from Wordsworth to Gissing*. Cambridge University Press
- Wahid NWB; Attia, M. Weber. (Updated 2020, Feb14). In: *StatPearls (Internet)*. Treasure Island (FL); StatPearls Publishing. Retrieved from:

- <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/30252391>
- World Health Organization. (2020). Deafness Prevention. Privacy Legal Notice.
 - Wyllie, D. (2016). Police Contacts with Deaf Subjects: Tips and Resources to Keep Everyone Safe. US Department of Health and Human Service





پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ